خبرها

کتاب «تجربه مشروطیت»

به گزارش ایسنا در آستانه صدمین سال پیروزی انقلاب مشروطه کتاب «تجربه مشروطیت» نوشته حجت‌الاسلام حسینیان، توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شد. حسینیان در این کتاب بر این باور است که عالمان دین برای نجات و گسترش عدالت حرکت‌هایی را آغاز کردند. مراجع نجف برای محو استبداد وارد صحنه سیاسی شدند و ایدئولوژی مشروطه‌خواهی توسط روشنفکران عرضه شد و علمای دینی به آن رنگی مذهبی دادند و سرانجام مردم آرمان خویش را در ایدئولوژی التقاطی یافتند که اصالتاً غربی بود، اما در ایران با اسلام آمیخته شده بود. این عوامل دست به دست هم داد و سرانجام رژیم استبدادی ایران را به رژیمی مشروطه تبدیل کرد.

کتابخانه مجلس باز هم همایش مشروطه برگزار می‌کند

کتابخانه مجلس دومین همایش مشروطه را ۱۴ مرداد، سالروز صدور فرمان مشروطه برگزار می‌کند. برای حضور در این همایش تنها از اساتید، محققان و دانشجویان دعوت شده است. به گزارش خبرگزاری میراث، پیش از این کتابخانه مجلس همایشی به مناسبت صدمین سالگرد انقلاب مشروطه و نیز نمایشگاهی به همین مناسبت، حول موضوع قانونگذاری در ایران برگزار کرد. در نمایشگاهی که اوایل خردادماه برگزار شد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تعدادی از اسناد، نشریات و پایان‌نامه‌های مربوط به دوره‌های گوناگون قانونگذاری و قانونگذاران را در معرض دید علاقه‌مندان گذاشت. در این مراسم رئیس جمهور سخنرانی کرد و پس از آن روسای سه قوه از نمایشگاه قانونگذاری در ایران بازدید کردند. به گزارش بخش کتاب میراث خبر مقارن با ۱۴ مردادماه سالروز صدور فرمان مشروطه نیز همایشی با محوریت بررسی روند حدوث این انقلاب برگزار می‌شود و در جنب آن نیز کتابخانه مجلس نمایشگاهی با همین عنوان برپا خواهد کرد. در این نمایشگاه یکصد سند، یکصد مقاله و یکصد کتاب به مناسبت یکصدمین سالروز انقلاب مشروطیت در ایران در معرض دید علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت. مسئولان کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تفاوت این همایش و نمایشگاه را با همایش و نمایشگاه قبلی در این می‌دانند که در مراسم قبلی روند قانونگذاری در ایران در مقطع انقلاب مشروطیت مورد بررسی قرار گرفت و در مراسمی که مردادماه برگزار می‌شود زمینه‌های پیدایش این انقلاب به روایت اسناد و تصاویر مربوط به این دوره تاریخی بررسی خواهد شد. برخلاف مراسم پیشین که برای شرکت در نمایشگاه و همایش از مسئولان دولتی، وزرا و روسای سه قوه دعوت به عمل آمده بود در فراخوان این مراسم از محققان، اساتید دانشگاه و دانشجویان این عرصه دعوت شده تا در همایش حضور یافته و مقالات خود را ارائه دهند و از این نمایشگاه نیز دیدن نمایند. نمایشگاه بررسی روند پیدایش زمینه‌های انقلاب مشروطه در ایران در روزهای ۱۴ و ۱۵ مردادماه و در سالن مدرس واقع در ساختمان قدیمی مجلس شورای اسلامی برگزار می‌شود.

تاریخ عکاسی ایران در آکسفورد

به مناسبت یکصدمین سال انقلاب مشروطه، بنیاد میراث ایران در لندن با همکاری چند نهاد علمی کنفرانس بزرگداشت یکصدمین سال مشروطه را مردادماه سال جاری در دانشگاه آکسفورد برگزار خواهد کرد. در این کنفرانس که به جنبه‌های گوناگون هنر، ادبیات، سیاست و اجتماع در جریان انقلاب مشروطه پرداخته خواهد شد، نقش عکاسی و کارکردهای آن در دوران مشروطه در ایران توسط محمدرضا طهماسب‌پور و رضا شیخ بررسی می‌شود. این کنفرانس از ۸ تا ۱۱ مردادماه امسال به مدت چهار روز در دانشگاه آکسفورد برگزار خواهد شد.

کتاب‌شناسی

تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی

از انقلاب مشروطیت تا انقراض قاجاریه

کتاب‌شناسی

محمود فاضلی: کتاب ۴۳۰ صفحه‌ای «تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی از انقلاب مشروطیت تا انقراض قاجاریه» نوشته سیدجلال‌الدین مدنی است که از سوی دفتر انتشارات اسلامی انتشار یافته است. فصل اول جلد دوم این کتاب با عنوان «عوامل زمینه‌ساز انقلاب مشروطیت» به بررسی نهضت تنباکو به عنوان مقدمه‌ای بر انقلاب مشروطیت، وضعیت اقتصادی اجتماعی و همچنین وضع حکومت ایران قبل از مشروطیت و بررسی اندیشه، مبارزات و فعالیت سیدجمال‌الدین اسدآبادی در ایران پرداخته است. سپس به روابط ایران با آلمان قبل و مقارن انقلاب مشروطیت، وضعیت روزنامه‌ها و نشریات و قوای مسلح قبل از مشروطیت اشاره شده است. بخش دوم با عنوان «جرقه‌های انقلاب مشروطیت» به حوادث مختلفی در انقلاب مشروطیت و تاثیرگذاری هریک از آنها در مسائل داخلی را مورد بررسی قرار داده است. بخش سوم با عنوان فرمان مشروطیت، اولین دولت مشروطیت، حمایت مراجع و علمای طراز اول از مشروطیت و تدوین متن اصلی قانون اساسی و نقش شیخ فضل‌الله نوری مورد اشاره قرار گرفته است.

ارتباط با صفحه مشروطه
سایت WWW.100years.ir
پست الکترونیک info@100years.ir
ارسال مقالات article@100years.ir

نفت ملی شد

گزارش سال ۱۳۲۹

صد سال

در نوروز این سال، علی منصور به فرمان شاه نخست‌وزیر شد. بحث تقلب و دخالت در انتخابات مجلسین، همچنان بحران‌زا بود. گروه زیادی از مردم لواسانات، در مقابل وزارت کشور گرد آمدند و ضمن اعتراض به نحوه انتخابات آن منطقه، خواهان ابطال صندوق‌های رای‌گیری آن حوزه شدند. میان معترضان لواسانی و پلیس کار به خشونت کشید و عده‌ای زخمی شدند. علی منصور تصمیم گرفت بساط حکومت نظامی را برچیند و این یکی از نخستین تصمیم‌گیری‌های دولت نوپای او بود. در ۱۹ فروردین‌ماه، احمد قوام‌السلطنه که در اروپا بود نامه سرگشاده‌ای به شاه نوشت و در آن به تشکیل مجلس موسسان و اصلاح قانون اساسی انتقاد کرد. وی شاه را مورد نکوهش قرار داد و رفتار سیاسی وی را زیان‌آور و خطرناک و برخلاف مصالح کشور ارزیابی کرد. شاه نیز واکنش نشان داد و به ابراهیم حکیمی وزیر دربار دستور داد تا در پاسخ به نامه قوام، بنویسد که وی مسبب اصلی همه بدبختی‌های ایران در این چندساله بوده است. شاه همچنین در این نامه، لقب «جناب اشرف» را که به قوام‌السلطنه در روزهای محبوبیتش اعطا کرده بود، پس گرفت. سرانجام جنگ قدرت میان شاه و قوام‌السلطنه، از پرده بیرون افتاد و نقل محافل و تیتر مطبوعات شد.

اشاره شاه در پاسخ به نامه قوام‌السلطنه، آنجا که می‌گوید مسبب اصلی همه بدبختی‌های این چندساله شما هستید، آوردن وزیران توده‌ای به هیات‌دولت و چرخش به چپ و پروبال دادن به حزب توده و نادیده گرفتن فعالیت‌های آزادانه سفارت شوروی در دوره قوام بود.

انجمن نظارت بر انتخابات تهران، سرانجام آرای لواسانات را باطل کرد و اسامی نمایندگان تهران را به این شرح اعلام نمود: ۱- دکتر محمد مصدق، ۲- دکتر مظفر بقایی، ۳- حسین مکی، ۴- حائری‌زاده، ۵- آیت‌الله ابوالقاسم کاشانی، ۶- عبدالقدیر آزاد، ۷- جمال امامی، ۸- دکتر سیدعلی شایگان، ۹- محمود نریمان، ۱۰- سیدمحمد صادق طباطبایی، ۱۱- مسعودی و ۱۲- میرسیدعلی بهبهانی به‌عنوان نمایندگان تهران، به مجلس راه یافتند. با نگاهی به اسامی نمایندگان تهران، فراکسیون اقلیت اما نیرومند و با نفوذ جبهه ملی و ائتلاف ملیون و مذهبیون را در آن به خوبی می‌توانیم ببینیم. همین مجلس بود که سرنوشت جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران را رقم زد.

در نخستین ماه سال، وزارت دربار طی اطلاعیه‌ای فاطمه پهلوی را از کلیه مزایای خاندان سلطنتی محروم کرد. جرم او ازدواج با یک روزنامه‌نگار آمریکایی به نام ونست هیلر در کشور ایتالیا و رعایت نکردن تشریفات رسمی درباری بود. پس از آن تیراندازی به شاه، اکنون دربار جسارت لازم برای انتقال جنازه رضاشاه به ایران و تشییع و تدفین رسمی او را به‌رغم نارضایی مردم، پیدا کرده بود. پیکر دیکتاتور را پس از تشریفات نظامی و درباری، در آرامگاهی واقع در شهر ری به خاک سپردند.

در خردادماه این سال نیز صدای شلیک چند گلوله، اوضاع سیاسی کشور را بحرانی‌تر کرد. این گلوله‌ها از سلاح کمری حسن جعفری عضو حزب توده ایران، به سوی احمد دهقان مدیر مجله تهران مصور و نماینده مجلس و پادوی سیاسی دربار شلیک شد. احمد دهقان از طبقات فرودست جامعه و با موج سواری سیاسی بالا آمده بود و جزء نخستین هواداران پیشروی سیاست آمریکا در ایران بود. در شهر شاهی نیز به دنبال اعتصاب کارگران کارخانجات نساجی شاهی، زدوخوردی میان اعتصابیون و پلیس درگرفت که تعدادی کشته و زخمی برجای نهاد. در ۲۰ خردادماه، آیت‌الله کاشانی که پس از حادثه تیراندازی به شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷، دستگیر و به لبنان تبعید شده بود، در میان استقبال پرشور مردم تهران، وارد فرودگاه مهرآباد شد. وی مورد استقبال اعضای جبهه ملی و روحانیون تهرانی و نیز بازاریان و مردم قرار گرفت و تجمع پرشکوه استقبال از ایشان، قدرت‌نمایی در برابر دربار خودکامه به شمار می‌رفت. در آن روزگار ائتلاف و همبستگی میان نیروهای ملی و مذهبی، نه تنها شاه و دربار بلکه سیاست‌های خارجی در ایران را نیز نگران کرده بود. در همین ماه جمعیت ایرانی هواداران صلح در تهران تشکیل شد. بنیانگذاران این انجمن عبارت بودند از ملک‌الشعرای بهار، حائری‌زاده، احمد لنکرانی، دکتر شایگان، دکتر محمدعلی حکمت، محمد رشاد، محمود هرمز و مهندس قاسمی. روزنامه نصیحت نیز ارگان رسمی جمعیت معرفی شد. روز ۲۸ خرداد، دکتر محمد مصدق به نیابت از آیت‌الله کاشانی پشت تریبون مجلس رفت و پیام کتبی ایشان را به آگاهی همگان رساند. آیت‌الله کاشانی گفته بود: ۱- نفت ایران متعلق به ملت ایران است، ۲- کسانی که مرا تبعید کردند، بایستی مجازات شوند، ۳- قتل ناصر فخرآرایی- ضارب شاه- مانع کشف دسیسه خائنین شد، ۴- ملت ایران زیر بار دیکتاتوری نمی‌رود و ۵- تصمیمات مجلس موسسان اعتبار ندارد.

سپهبد حاج علی رزم‌آرا

در نخستین روز تیرماه، کمیسیون نفت در مجلس شورا برگزیده شد و دکتر مصدق به ریاست آن کمیسیون انتخاب شد. چهار روز بعد هم دولت علی منصور از کار افتاد و سپهبد حاج علی رزم‌آرا- رئیس ستاد ارتش- از سوی شاه فرمان نخست‌وزیری گرفت. شاه سیاست خطرناکی را در پیش گرفته بود. وی که هنوز درگیری با قوام‌السلطنه را پشت‌سر نگذاشته بود، نظامی نیرومندی همچون رزم‌آرا را به نخست‌وزیری رساند تا عایقی باشد میان او و جبهه سراسری هواداران جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران. همین که سپهبد علی رزم‌آرا برای معرفی و گرفتن رای اعتماد، همراه با اعضای هیات دولتش پا به مجلس گذاشت، دکتر محمد مصدق از صندلی خود بلند شد و فریاد زد: برای چه اینجا آمده‌ای؟ ملت ایران زیر بار دیکتاتوری نمی‌رود. و در حالی که از خشم می‌لرزید و سایر نمایندگان جبهه ملی به‌عنوان اعتراض، دسته صندلی‌های خود را می‌کوبیدند، خطاب به او فریاد زد: از مجلس برو بیرون! و سپس بندش تاب این همه خشم را نیاورد و بندش به زمین افتاد.

پیکر بیهوش مصدق را به اتاق دیگری بردند و رزم‌آرا در میان آن همه غوغا و اعتراض فراکسیون اقلیت جبهه ملی، دست و پا شکسته وزیران خود را معرفی کرد. بعدازظهر همان روز -۶ تیرماه- اعلامیه‌های تندی از سوی اعضای جبهه ملی و آیت‌الله کاشانی در اعتراض به نخست‌وزیری رزم‌آرا در سراسر کشور پخش شد. همچنین روز ۱۱ تیرماه هنگامی که اعضای هیات‌دولت قصد خروج از مجلس را داشتند، میان جمعیت تظاهرکننده در میدان بهارستان و نیروهای انتظامی برخوردی پیش آمد که تعدادی زخمی و عده‌ای بازداشت شدند. سرانجام روز ۱۳ تیرماه یعنی روز رای اعتماد به رزم‌آرا فرا رسید. از ۱۰۷ نفر نماینده حاضر، ۹۳ نفر به دولت رای اعتماد دادند و فراکسیون جبهه ملی نیز به شدت معترض بود. در روزهای پایانی مردادماه، سیدحسن امامی امام جمعه تهران، هنگام عبور از میدان شمس‌العماره، مورد هجوم دشنه نبی‌الله اکبری قرار گرفت و دست و صورت او تا آخر عمر فلج شد. و در همین هنگام بود که دکتر محمد سجادی رئیس هیات تصفیه کارکنان دولت، اسامی کسانی را که در بند «ج» قرار گرفته بودند اعلام کرد. انتشار این لیست که تعداد زیادی از دولتمردان، سناتورها، نمایندگان مجلس، استانداران و فرمانداران را دربر می‌گرفت، هیجان فوق‌العاده‌ای را در هیات حاکمه ایران پدید آورد. آنان کسانی بودند که از موقعیت و مقام اداری خود سوءاستفاده کرده، ثروت‌های کلان پدید آورده بودند و می‌بایستی از خدمات دولتی کنار گذاشته شوند. شگفت‌آور و مایه عبرت این بود که هنگامی که رزم‌آرا در ۱۵ شهریورماه به مجلس رفت و اعلام کرد ۴۰۰ نفر از بند جیمی‌ها را بازنشسته و تعدادی را نیز اخراج کرده، ولی در مورد وزیران، قضات و نمایندگان مجلسی که در بند «ج» قرار دارند، با مشکل مواجه است و از مجلس نظر می‌خواهد، دکتر مصدق به‌رغم مخالفتش با رزم‌آرا، از اجرای تصفیه‌ها پشتیبانی کرد. در همان جلسه، سردار فاخر حکمت که رئیس مجلس بود و در بند «ج» قرار داشت در دفاع از خود سخنانی گفت و به گریه افتاد که مظفر بقایی آن را «اشک تمساح» نامید. این در حالی بود که نام تعداد زیادی از نمایندگان مجلس نیز در آن لیست قرار داشت و سرانجام با کارشکنی‌های گوناگون، مجلس در ۲۵ شهریورماه طی ماده واحده‌ای تصمیمات هیات تصفیه را لغو و بی‌اثر کرد. و این سرانجام طرحی بود که در تاریخ معاصر ایران، تنها یک‌بار، هیاتی می‌خواست مشت رجال خائن و غیرملی را، تازه آن هم شکسته بسته و نصفه‌نیمه باز کند. دکتر مصدق نسبت به توقف کار هیات تصفیه به شدت واکنش نشان داد و در درگیری لفظی که میان او و سردار فاخر حکمت در جلسه علنی ۳۰ شهریورماه پیش آمد، مجلس به تعطیلی کشیده شد. روز ششم مهرماه فراکسیون جبهه ملی به رهبری دکتر محمد مصدق، دولت رزم‌آرا را به دلیل تعلل در استیفای حقوق ملت ایران و عدم اجرای قانون ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶، در مورد نفت جنوب، استیضاح کرد. پاسخ این استیضاح از سوی مجلس، رای سکوت بود. در ۱۲ آبان‌ماه، به دنبال شکایت سران و اعضای حزب توده که در دادگاه جنایی شماره ۲ فرماندار نظامی محاکمه و محکوم شده بودند، پس از اینکه شعبه یک دادگاه جنایی دادگستری رای عدم صلاحیت رسیدگی صادر کرد، پرونده آنان از دیوان کشور به دادگاه مذکور ارجاع شد. در ۴ آذرماه کمیسیون ویژه نفت مجلس که ریاست آن را دکتر مصدق برعهده داشت، اعلام کرد که قرارداد الحاقی «ساعد-گس» استیفای منافع ملت ایران از نفت جنوب را نمی‌نماید و بدین‌ترتیب با لایحه مزبور مخالفت کرد.

خلیل طهماسبی

در ۶ آذرماه نیز دادگاه جنایی تهران نسبت به پرونده متهمین حزب توده قرار صادر کرد. به موجب این قرار، دادگاه نظامی و دادستان ارتش حق رسیدگی و صدور کیفرخواست نداشته‌اند و کلیه تصمیمات آنها ملغی‌الاثر اعلام و مرجع صالح برای رسیدگی، دادسرای استان تهران اعلام شد. بدین‌ترتیب سران حزب توده، در یک مبارزه حقوقی پیروز شدند و خطر اعدام از آنان رفع شد. آنان در زندان بودند تا اینکه ساعت ۸/۵ صبح روز ۲۴ آذرماه، شخصی با لباس سرهنگ‌دومی همراه با هشت نفر دیگر که لباس نظامی به تن داشتند، سوار بر کامیون نظامی که رنگ و آرم ارتش داشت به زندان قصر رفتند و به ستوان‌یکم قبادی افسر نگهبان زندان اعلام کردند که برای بردن زندانیان سیاسی به دادگاه آمده‌اند. پس از طی تشریفات قانونی افسرنگهبان داخلی زندان دکتر محمد یزدی، دکتر جودت، دکتر نورالدین کیانوری، اکبر شاندرمنی، احمد قاسمی، عبدالحسین نوشین، صمد حکیمی، خسرو روزبه و علوی را که از سران و گردانندگان حزب توده بودند، تحویل ماموران قلابی دادند و بدین‌ترتیب، همه سران حزب توده از زندان گریختند. در این فرار شگفت‌انگیز نیز کسانی بر این باورند که میان حزب توده و سپهبد علی رزم‌آرا- که اکنون نخست‌وزیر تام‌الاختیار بود- روابطی پنهانی و بندوبست‌های سیاسی در کار بوده است.

در ۲۶ آذرماه، گزارش کمیسیون ویژه نفت مجلس که برای نخستین‌بار پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت ایران را در محتوا داشت، در صحن مجلس خوانده شد. این طرح ۱۱ امضا در انتها داشت که در تاریخ ایران، نامشان ماندگار ماند: دکتر محمد مصدق، دکتر سیدعلی شایگان، حائری‌زاده، دکتر مظفر بقایی، اللهیار صالح، محمود نریمان، حسین مکی، عبدالقدیر آزاد، میرسیدعلی بهبهانی، عباس اسلامی و کاظم شیبانی. روز ۲۷ آذرماه، در پی حمله به روزنامه و چاپخانه روزنامه شاهد، گروهی از مدیران جراید کشور در مجلس متحصن شدند. فردای آن روز دکتر شایگان و محمود نریمان در جلسه علنی مجلس، درباره ملی شدن صنعت نفت ایران سخن گفتند و موج نوینی در روند جنبش پدید آوردند. در همان جلسه، بین امان‌الله اردلان وزیر کشور و نمایندگان اقلیت برخورد تندی روی داد که جلسه مجلس را متشنج کرد. در ۳۰ آذرماه نیز جنبش دانشجویی ایران به حرکت درآمد و با پلاکاردهایی که بر روی آنها نوشته بودند: «نفت ایران باید ملی شود»، پا به میدان مبارزه‌ای ملی به رهبری دکتر محمد مصدق نهادند. آنان در میدان بهارستان گرد آمدند و ضمن تظاهراتی پرشور و باشکوه، خواستار ابطال قرارداد ۱۹۳۳ و استیفای حقوق ملت ایران از نفت جنوب شدند. در نخستین روز از دی‌ماه نیز به فراخوان آیت‌الله کاشانی، رهبر روحانی مبارزه، میتینگ بزرگی در مسجدشاه تهران برپا شد که سخنرانان در مورد ملی شدن صنعت نفت و ابطال قرارداد ۱۹۳۳، در آن سخن گفتند. در سومین روز دی‌ماه، رزم‌آرا به مجلس رفت و پیرامون ملی شدن صنعت نفت سخنانی به اعتراض و مخالفت گفت.

وی از جمله به این موضوع اشاره کرد که ما ایرانیان حتی لولهنگ نیز نمی‌توانیم بسازیم، چه رسد به ساخت پالایشگاه و مدیریت صنعت نفت.

وی تز «ملی شدن صنعت نفت» را آشکارا بزرگترین خیانت به کشور دانست! دو روز بعد، هنوز سخنان غلامحسین فروهر وزیر دارایی در مخالفت با ملی شدن صنعت نفت، در مجلس به پایان نرسیده بود که موج مخالفت‌ها با او و رزم‌آرا سراسر تهران را در بر گرفت. میتینگ‌ها و راهپیمایی‌های عظیم و باشکوهی به فراخوان آیت‌الله کاشانی و اعضای جبهه ملی در میدان بهارستان برپا شد و حمله به رزم‌آرا و مخالفان ملی شدن صنعت نفت، در دستور کار جنبش قرار گرفت. کار به جایی رسید که در میان خود اعضای هیات دولت نیز اختلاف و شکاف پدیدار شد. در جلسه هیات‌دولت، دکتر عبدالله دفتری وزیر اقتصاد ملی، شریف‌امامی وزیر راه و مهندس مهدوی وزیر کشاورزی در اعتراض به سخنان غلامحسین فروهر، استعفا دادند. جالب بود که دو روز بعد -۱۰ دی‌ماه- غلامحسین فروهر نیز زیر فشار انتقادها دوام نیاورد و از کار کناره‌گیری کرد.

و دوباره وزیران مستعفی بر سر کار خویش بازگشتند. در پنج بهمن‌ماه حسین مکی، مظفر بقایی، اللهیار صالح، حائری‌زاده، نریمان و عبدالقدیر آزاد، دولت رزم‌آرا را به علت عدم امنیت قضایی استیضاح کردند که در همان روز، دولت به استیضاح پاسخ داد و دوباره از مجلس رای اعتماد گرفت. در دوازدهمین روز از ماه پایانی سال نیز میتینگ بزرگی به فراخوان جمعیت فدائیان اسلام در مسجدشاه تهران برگزار شد که در آن سخنرانان از ستم‌هایی که شرکت نفت ایران و انگلیس در حق مردم ایران روا داشته بود، سخن گفتند و بر لزوم ملی شدن صنعت نفت پای فشردند و سپهبد رزم‌آرا را نیز به تندی مورد انتقاد قرار دادند. چهار روز بعد -۱۶ اسفندماه- رزم‌آرا که در برابر خواست ملی مردم ایران ایستادگی و پافشاری می‌کرد، با شلیک گلوله خلیل طهماسبی عضو فداییان اسلام، از پای درآمد. رزم‌آرا به همراهی اسدالله علم وزیر کار خود به مسجدشاه رفته بود تا در مراسم ختم آیت‌الله فیض شرکت کند. خلیل طهماسبی که پس از شلیک سه گلوله به رزم‌آرا فریاد الله اکبر سر می‌داد، همان‌جا دستگیر و در بازجویی اولیه گفت چون رزم‌آرا خائن بود، او را کشتم. فردای همان روز کمیسیون ویژه نفت، ملی شدن صنعت نفت را تصویب کرد و آیت‌الله کاشانی در مصاحبه‌ای با خبرنگاران داخلی و خارجی اعلام کرد که قتل رزم‌آرا واجب بود و خلیل طهماسبی منجی ملت ایران است. روز ۱۷ اسفندماه در میتینگ بزرگی که به مناسبت کشته‌شدن رزم‌آرا در میدان بهارستان برپا شده بود حسین مکی و مظفر بقایی کشته‌شدن رزم‌آرا را به ملت ایران تبریک گفتند و در همین گردهمایی اعلامیه سیدمجتبی نواب‌صفوی- رهبر فداییان اسلام- که تیتر «ای پسر پهلوی» را بر پیشانی خود داشت، میان تظاهرکنندگان پخش شد. وی در این اعلامیه به دربار هشدار داده بود چنانچه خلیل طهماسبی آزاد نشود، گروه زیادی از رجال و دولتمردان به سرنوشت رزم‌آرا دچار خواهند شد. اکنون که دربار و دولت در شوک ترور رزم‌آرا به‌سر می‌بردند و به شدت هراسیده بودند، جا داشت که هواداران احزاب ملی و مذهبی در ۱۸ اسفندماه تظاهرات باشکوهی را ترتیب دهند و در آن خواسته خود را که ملی شدن صنعت نفت بود فریاد بکشند.

سفارت انگلستان هم بی‌درنگ واکنش نشان داد و به شعار ملی شدن صنعت نفت ایران به تندی حمله برد و از ایران خواست تا قرارداد نفتی را یک‌جانبه فسخ نکند! روز ۲۴ اسفندماه برای ایرانیان روز پیروزی حقوقی و قانونی در جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران بود. نمایندگان مجلس شورای ملی که زیر فشار افکار عمومی و خواسته‌های پیگیر مردمی، توان مخالفت با طرح ملی شدن صنعت نفت را از کف داده بودند، در میان شور و هلهله تماشاچیان و درحالی که مردم، میدان بهارستان را تا شعاع چند صد متری در اشغال خود داشتند، به اتفاق آرا ملی شدن صنعت نفت ایران را تصویب کردند. شور و هیجان و جشن و چراغانی، سراسر کشور را فرا گرفت و سیل تلگرام‌های تبریک به‌سوی سران جنبش به‌ویژه دکتر محمد مصدق و آیت‌الله کاشانی سرازیر شد. روز ۲۹ اسفند نیز طرح به مجلس تازه‌پای سنا رفت و در آنجا هم به تصویب سناتورها رسید. شاه نیز همان روز مصوبات مجلسین را امضا کرد. پیش از آنکه امضای شاه را به حساب ملی‌گرایی او و یا مبارزه او با غرب بنگارند، بایستی یادآور شد که شاه هنوز کینه انگلیسی‌ها را از رفتاری که با پدرش کرده بودند به دل داشت و بدش نمی‌آمد که کسی همچون دکتر محمد مصدق با دولت انگلستان دست و پنجه نرم کند تا عقده‌های او نیز گشوده شود! این روز یعنی ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ روز غرور ملی و سربلندی ایرانیان در جنبش ملی شدن صنعت نفت به‌شمار می‌رود. اکنون آنچه که پیش‌رو بود، اجرای این قانون و دست و پنجه نرم‌کردن با دولت انگلستان بود که به هیچ‌روی جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران را برنمی‌تابید!

عین‌الدوله تفرقه‌افکنی می‌کند

۵ و ۶ تیر ۱۲۸۵

صد روز

■ **۵ تیرماه**

طبق یادداشت‌های ناظم‌الاسلام کرمانی، این روزها عین‌الدوله سرگرم طرح‌ها و برنامه‌هایی است تا بتواند آتش جنبش را فرونشاند. وی می‌نویسد: «نخست شروع نمود به گرفتاری اشخاصی که چندان محل اعتنا نبودند، ولی در کار آقایان و بیداری مردم هم دخالتی داشتند، که هم به مقصود خود رسیده باشد و هم ضمناً امتحانی از اهالی کرده باشد. چه در تبعید میرزا آقای اصفهانی و میرزا حسن رشدیه و مجدالاسلام کرمانی اذهان عامه را مشوب کردند به اینکه آنها بابی و لامذهب بودند، و در گرفتاری مهدی گاوکش که مقارن همین ایام بود چنین شهرت دادند که او از الواد و اشرار بود. پس باید نفاق اندازد میان علما و دور کند اشخاص کافی را از اطراف آنان. مقام اول را تا یک اندازه پیش برد و طوری سلوک کرد که آقایان علمای تهران به یکدیگر اطمینان ندارند و اگر تحریکات باطنی در کار نبود خود آقایان به هم افتاده بودند. چه، میرزا ابوالقاسم امام جمعه، گرم عروس تازه - دختر مظفرالدین شاه- که از موقرالسلطنه طلاق او را اکراهاً گرفته بودند، شد. حاج میرزا ابوطالب زنجانی، به اینکه اعلیحضرت معتقد به استخاره اوست قناعت کرده است. آقاسیدعلی آقایزدی، از آقایانی است که در تبریز اعلیحضرت را پیشوا و مقتدا بود و این ایام اعلیحضرت به او عقیده تامی دارند. این آقا باید بی‌طرف باشد که شاید یک روزی توسطی کند از آقایان، او هم به همین اندازه اکتفا نموده است. آقا سیدریحان‌الله، که شاه به او عقیده دارند و از او رساله گرفته‌اند و در خیالند که از او تقلید نمایند، اگر داخل در حوزه آقایان شود خیلی متضرر خواهد شد و دیگر سهم امام به او نخواهند داد. حاج شیخ عبدالنبی هم که مطیع حضرت والا است، هر طوری که عین‌الدوله بخواهد، او حرکت می‌کند. آقای سیدمحمد پسر آقا سیدعلی اکبر تفرشی هم که تازه‌کار و بی‌پول و مایل به عین‌الدوله. آقا سیداحمد بهبهانی به یک جواب سلام قانع است. آخوند ملامحمد آملی را به یک دادن مسجد و مدرسه را به تیول او نگاه داشته. آقا سیداحمد طباطبایی را که از نجبا و اهل دعا است، دعاگو کرده است.»

■ **۶ تیرماه**

این روزها معین حضور پس از هشت ماه بست‌نشینی در خانه آیت‌الله طباطبایی و دادخواهی از ایشان، سرانجام از پا درآمد و حاضر شد ملک خود را به شمس‌الملک -پسر عین‌الدوله- واگذار کند. ماجرا از این قرار است که میرزا حسین‌خان معین حضور که از خویشاوندان و نزدیکان امین‌السلطان بود و در دوره صدارت وی مورد اعتماد و مرد شماره یک دستگاه امین‌السلطان به شمار می‌آمد، پس از سقوط امین‌السلطان و رفتن او به اروپا، در برابر خشم و کین‌خواهی عین‌الدوله تنها ماند. وی دارای ملکی در نزدیکی ایوان کیف بود که در راه تهران به خراسان واقع شده بود. این ملک به ارزش آن روز حدود یکصدهزار تومان قیمت داشت. شمس‌الملک پسر عین‌الدوله که ریاست خالصه ورامین و ایلات آن سامان را عهده‌دار بود، تمایل پیدا می‌کند که ملک معین حضور را به قیمت شصت هزارتومان از وی خریداری نماید. معین حضور زیر بار نمی‌رود. ظاهراً به اشاره شمس‌الملک در ماه رمضان ۱۳۲۳، کلیه محصولات برداشت شده و خرمن‌های به دست آمده از ملک معین حضور آتش زده می‌شد و شمس‌الملک نیز برای گرفتن مالیات و سهم دولتی از محصول معین حضور را زیر فشار قرار می‌دهد.

معین حضور که همه درها را به روی خود بسته می‌بیند، به ناگزیر در همان ماه مبارک رمضان به خانه آیت‌الله طباطبایی رفته، بست می‌نشیند. هنگامی که آقای طباطبایی و سایر روحانیون به حضرت عبدالعظیم کوچیدند، او در خانه‌های دوستان و بستگانش پنهان شد. پس از بازگشت پیروزمندانه علما، وی در استقبال و جشن و چراغانی از هیچ کوششی فروگذار نکرد. در پی دعوت از او برای عضویت در انجمن مخفی، وی به آن انجمن پیوست، اما هر چه کوشید و میانجی فرستاد، نتوانست ملک خود را تصاحب کند تا اینکه بیچاره معین حضور از پا درآمد و تسلیم شد. در این روزها، وی به شمس‌الملک پیام داد که آماده است تا ملک اش را به او واگذار کند، اما شمس‌الملک با اظهار بی‌میلی، قیمت سی هزارتومان را پیشنهاد داد. سرانجام پس از کشمکش‌هایی شمس‌الملک عموی خود حاج سیف‌الدوله را واسطه معامله قرار داد و ملک معین حضور را به قیمت شصت هزار تومان خریداری کرد که سی هزار تومان آن را به خاطر بدهی‌های معین حضور کسر و الباقی را به وی پرداخت کرد. معین حضور نیز آن سی هزار تومان را در اختیار آقای طباطبایی و جنبش مشروطه خواهی نهاد و آن پول در آن شرایط کمک بزرگی برای پیشبرد اهداف مشروطه بود.

نگاه

مرتضی‌قلی‌خان هدایت

صد چهره

در خاندان هدایت مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله چهره ممتازی بود. وقتی مجلس مشروطه برپا شد، او را به ریاست گماشتند. مرتضی‌قلی سه سال از مهدی قلی بزرگتر بود. هفده ساله بود که بخت به او و برادرش رو کرد: ناصرالدین‌شاه عازم اروپا شد و علی‌قلی‌خان را هم دنبال خود راه انداخت. علی‌قلی‌خان هم پسر بزرگتر خود را به همراه آورد. مرتضی‌قلی‌خان در آلمان ماند تا مثلاً تحصیل کند. نه او نه مهدی قلی که پنج سال بعد به او پیوست درس قابلی نخواندند. در عوض تا توانستند به گشت و تماشا پرداختند. ماجرای کشتی صید مروارید یادتان نرفته؟ کشتی را قرار بود همین مرتضی قلی‌خان بخرد. منتها چون او و برادرش در آلمان خرج زیادی داشتند - مثلاً مرتضی قلی به قمار خیلی علاقه‌مند بود - از فرصت استفاده بردند تا یک کشتی ارزان و معیوب را به قیمت کلان راهی بوشهر کند.[۶]

از میان انواع مشاغل و مداخلی که علی‌قلی‌خان در حکومت داشت، مرتضی‌قلی‌خان به معدن و استخراج خیلی ابراز علاقه می‌کرد. علی‌قلی‌خان هم مسئولیت معادن کشور را به او واگذاشت و به همین دلیل به او لقب صنیع‌الدوله دادند. اما برای محکم‌کاری، او احترام‌السلطنه دختر مظفرالدین‌میرزای ولیعهد را هم گرفت تا کسی نتواند به اسب داماد شاه آینده، یابو بگوید. کسانی که در مورد جنبش مشروطه اغراق می‌کنند بد نیست به یاد آورند که رئیس مجلس اول داماد شاه بود. البته مرتضی‌قلی‌خان از روی انصاف کمتر به مردم و خواست آنان کم توجهی می‌کرد. در عین حال نسبت به بقیه اعضای خاندان در آنچه می‌گفت صادق‌تر بود.

در سال ۱۳۱۱ قمری کارخانه نخ‌ریسی بزرگی به راه انداخت که می‌شد پایه‌ای شود برای صنعت نوین نساجی ایران. اما انگلیسیان قیمت نخ را آن قدر پایین آوردند که نخ‌ها روی دست مرتضی‌قلی ماند، به اضافه هزینه خرید دستگاه‌ها، دستمزد کارکنان و... کارخانه به سرنوشت تعطیل دچار شد.

در دوره اول مجلس مرتضی‌قلی‌خان از طبقه اشراف نماینده شد. انتخابات طبقاتی از ابتکارهای اخوی مهدی قلی‌خان بود که خود را در میان بنیانگذاران مشروطه با فشار جا کرده بود. صنیع‌الدوله نماینده و رئیس مجلسی مترقی و دلسوز برای مردم بود. ریاست او بر مجلس تا رجب سال ۱۳۲۵ قمری و استعفای او ادامه یافت. او در چند کابینه مشروطه وزیر هم شد.

صنیع‌الدوله وزیر مالیه را در روز چهارد